

کنوانسیون تنوع زیستی و

حقوق مالکیت فکری:

مطالعه‌ای در توسعه پایدار

مترجم: دکتر سیامک کرمزاده^۱

توسعه پایدار در یک بیان ساده به معنای «بقا، تداوم و استمرار چیزی» است. در مقدمه گزارش برون‌لند^۲ با عنوان «آینده مشترک ما» آمده که توسعه پایدار عبارت است از «توسعه‌ای که متناسب با نیازهای نسل امروز باشد بدون این که نسل آینده را با خطری مواجه سازد و نیازهای آن‌ها را پاسخ دهد به گونه‌ای که بتوانند آن‌طور که می‌خواهند زندگی کنند. توسعه پایدار نیاز تمام کشورها و تمام مردم است». بر همین اساس باید توجه کنیم که تمام مردم در حال و آینده از حق برابر در مورد محیط زیست پایدار برخوردارند، محیط زیستی که بتوان در آن زندگی کرد و استانداردهای مناسب زندگی در آن وجود داشته باشد.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد

بدون این که منافع اقتصادی و اجتماعی بالقوه را در آینده به خطر بیندازد». در توسعه پایدار، اهداف توسعه باید به گونه‌ای دنبال شود که مبانی اکولوژیک زمین نابود نگردد. این نوع از توسعه هم یک ضرورت آنی و هم یک اصل عملی برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. این را نیز باید اضافه کرد که سیاست‌های توسعه نمی‌تواند تنها محدود به کشورهای در حال توسعه باشد بلکه باید در مورد تمام کشورهای جهان اعمال شود. اولویت‌های توسعه در کشورهای جهان باید با توجه به بستر توسعه یعنی محیط زیست مورد توجه قرار گیرد. در تدوین مقررات نیز رشد و توسعه باید به موازات امر حفاظت از محیط زیست و منابع مورد توجه واقع شود.

توازن میان توسعه و محیط زیست در کنوانسیون تنوع زیستی که در ۵ ژوئن ۱۹۹۲ در ریودو ژانیرو به تصویب رسید مورد ملاحظه قرار گرفته است.^(۱) این کنوانسیون با توجه به افزایش تهدید منابع ژنتیکی جهان به دلیل پیشرفت‌های جدید در زمینه بیوتکنولوژی،^(۲) به خصوص تکنولوژی DNA به تصویب رسید.^(۳) پس از تصویب این کنوانسیون، بحث‌های جدی در کشورهای توسعه یافته به دلیل تأثیر این کنوانسیون بر تحقیقات و پیشرفت‌های آینده در زمینه بیوتکنولوژیکی مطرح گردید. حتی ایالت متحده آمریکا از امضای این کنوانسیون به دلیل این که نمی‌تواند به حد کافی از منافع دارندگان تکنولوژی حمایت کند خودداری کرد.^(۴) این امر، اجرای کنوانسیون و دسترسی به اهداف توسعه را با مشکلاتی مواجه ساخت. تعارضی هم میان کنوانسیون تنوع زیستی و موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت که در ژانویه ۱۹۹۵ به عنوان بخشی از موافقتنامه سازمان تجارت جهانی به مرحله اجرا رسیده پیش آمده است. منشأ این اختلاف و چشم‌انداز حل این مشکل، موضوع این مطالعه است. به همین منظور، مقررات مورد بحث کنوانسیون تنوع زیستی به طور مختصر مطرح خواهد شد. اما قبل از آن لازم است ارتباط منابع ژنتیکی و تنوع زیستی با موضوع مالکیت فکری، حفاظت از آن و بیوتکنولوژی جدید به طور کلی توضیح داده شود.

منابع ژنتیکی و مالکیت فکری

هدف کنوانسیون تنوع زیستی حفاظت از تنوع بیولوژیکی کره زمین است که عمدتاً در مناطق حاره‌ای یعنی کشورهای در حال توسعه تمرکز یافته است. واقعیت این است که کشورهای در حال توسعه از جهت داشتن گونه‌های گیاهی و جانوری در جهان غنی هستند و ۸۰ درصد تنوع زیستی خاکی و کره زمین به این کشورها تعلق دارد که در واقع مواد خام بیوتکنولوژی هستند. به وسیله بیوتکنولوژی می‌توان از ژن‌ها، واریته‌های بومی و نژادی موجود در خشکی، گونه‌های جدیدی را ایجاد کرد. از سوی دیگر تحقیقات و توسعه در بیوتکنولوژی عمدتاً به کشورهای توسعه یافته به ویژه بخش خصوصی (یعنی شرکت‌های چند ملیتی) تعلق دارد. این کشورها اطلاعات و دانش خود را در زمینه بیوتکنولوژی کاملاً مخفی نگاه می‌دارند، زیرا در مدت کوتاهی قابل بهره‌برداری است. برای انجام تحقیقات و دستیابی به توسعه از منابع ژنتیکی کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود که تا همین اواخر بدون پرداخت وجهی از طریق کشاورزان و اصلاح‌گران نباتات در کشورهای در حال توسعه قابل تأمین بود. محصولات یا واریته‌های گیاهی که از این منابع ژنتیک تولید یا متحول می‌گردند بر اساس حقوق اصلاح‌گران نباتات و حق ثبت تولید در کشورهای توسعه یافته مورد حمایت قرار می‌گیرند و این در حالی است که کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند به این محصولات یا واریته‌های گیاهی به راحتی دسترسی داشته باشند.

شایان ذکر است که منابع ژنتیکی مخزن اطلاعات هستند. «ژنوتیپ» یعنی اطلاعات موجود در ساختار ژنتیکی گیاهان و حیوانات موضوع حق ثبت تولید و اصلاح‌گران نباتات است، زیرا می‌تواند در انحصار قرار گیرد، اگرچه قابلیت برخورداری آن‌ها از حق ثبت به دلیل تازگی و منشأ آن فی‌نفسه قابل بحث است.^(۵) در کشورهای توسعه یافته، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها و دیگر تولیدات بیولوژیکی که از طریق بیوتکنولوژی به خصوص تکنولوژی DNA به دست می‌آیند از حق اصلاح‌گران گیاهی و حق ثبت تولید برخوردارند.^(۶) این تحولات، منابع ژنتیک را به یک منبع بالقوه مورد توجه در حقوق مالکیت فکری تبدیل کرده و در سطح بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است. تصویب

موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ به عنوان بخشی از موافقتنامه سازمان تجارت جهانی، معیارهای جدیدی را در حمایت از حقوق مالکیت فکری وضع کرده است.

موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت از دولت‌های عضو می‌خواهد که حق ثبت را به هر نوع اختراع و اکتشاف ... در هر زمینه‌ای از تکنولوژی که قطعاً بیوتکنولوژی را هم در برمی‌گیرد اعطا کنند. اما اعضا ممکن است حق ثبت را بر حسب ضرورت در نظر نگیرند و آن در حالتی است که این کار در جهت حفظ نظم یا اخلاق عمومی یا حیات و بهداشت جامعه یا اجتناب از ورود خسارت جدی به محیط زیست لازم باشد. صرف ممنوعیت بهره‌برداری بر اساس حقوق داخلی مانع از برخورداری از حق ثبت نخواهد بود (ماده (۲) (۲۷)). علاوه بر این اعضا می‌توانند گیاهان و جانورانی غیر از میکروارگانیزم‌ها و همچنین فرایند بیولوژیک برای تولید گیاهان و جانوران بجز فرایندهای غیربیولوژیک و میکروبیولوژیک را از حق ثبت مستثنا سازند. به هر حال، اعضا از طریق حق ثبت با یک سیستم خاص مؤثر یا تلفیقی از هر دو از وارته‌های گیاهی حفاظت خواهند کرد (ماده (ب) (۳) (۲۷)). بنابراین در حالی که موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت، گیاهان، حیوانات و فرایند بیولوژیک تولید گیاهان و حیوانات را فی نفسه از حق ثبت مستثنی می‌سازد، میکروارگانیزم یا فرایندهای غیربیولوژیک و میکروبیولوژیک، تولید گیاهان و حیوانات را مشمول حق ثبت می‌داند. وارته‌های گیاهی باید به طور مؤثر از طریق حق ثبت یا سیستم خاص یا هر یک از این دو، مورد حفاظت قرار گیرند.

یکی از مدل‌های حفاظت از وارته‌های گیاهی که در کشورهای توسعه یافته مورد توجه قرار گرفته مدلی است که در اتحادیه بین‌المللی حفاظت از وارته‌های گیاهی جدید (کنوانسیون اتحادیه حفاظت از وارته‌های گیاهی)^(۷) مطرح شده است. این کنوانسیون از زمان تصویب تاکنون چندین بار در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۸ و ۱۹۹۱ اصلاح گردیده است. سند سال ۱۹۹۱ هنوز لازم‌الاجرا نگردیده و در حال حاضر سند اصلاحی در ۱۹۷۸ اجرا

می‌شود. استانداردهایی که در کنوانسیون اتحادیه حفاظت از وراثیه‌های گیاهی وضع شده مشابه آن چیزی است که در مورد حمایت از حق ثبت وجود دارد. به هر حال، موافقتنامه مالکیت فکری دولت‌های عضو را ملزم نمی‌سازد که در سیستم خاص خود استانداردهای کنوانسیون اتحادیه حفاظت از وراثیه‌های گیاهی را به تصویب برسانند.

این تحولات در سطح بین‌المللی موجب شده تا تعارضات جدی میان صاحبان منابع ژنتیک و دارندگان علم بیوتکنولوژی که تأثیر بالقوه مهمی در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته دارد به وجود آید. موضوع‌هایی که به شدت تحت تأثیر بیوتکنولوژی به ویژه از طریق DNA قرار دارند، پزشکی و کشاورزی‌اند که بسیار برای کشورهای در حال توسعه حیاتی هستند.

در بخش کشاورزی، تکنولوژی DNA می‌تواند محصولاتی را ایجاد کند که در مقابل بیماری مقاوم باشند و این خود موجب کاهش استفاده از سم‌های شیمیایی که برای خاک و رودخانه و حیات موجود در رودخانه مضر است می‌شود. علاوه بر این می‌تواند وارسته‌هایی را تولید کند که بتوانند در زمین‌های نامناسب کشاورزی رشد کنند، و نرخ رشد بالا، یکسانی بیش‌تر در محصول، قابلیت بیش‌تر در تثبیت نیتروژن، و توانایی‌های فتوسنتیک و مقاومت در مقابل استرس داشته باشند. بنابراین تولید وارسته‌های جدید از طریق بیوتکنولوژی برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت زیادی برخوردار است. به خصوص در جایی که وضعیت کشاورزی مناسب نیست و نرخ رشد جمعیت بالا باشد فشار بیش‌تری بر زمین‌های قابل کشت برای تغذیه مردم وارد می‌آید و همین امر بر اهمیت موضوع می‌افزاید.

اما وارسته‌های جدید پر محصول بیش‌تر در معرض بیماری هستند^(۸) و این امر نیاز به سم و کود را افزایش می‌دهد. علاوه بر این چنین امری موجب می‌شود تا وارسته‌های ژنتیکی گیاهی موجود ناپود شوند؛ زیرا کشاورزان مایلند از وارسته‌های جدید به قیمت صرف نظر از وارسته‌های سنتی استفاده کنند و این امر مآلاً منجر به نابودی تنوع زیستی گیاهان و مبانی ژنتیکی محصولات کشاورزی و حیوانات خواهد شد.

گفته می‌شود که تکنولوژی DNA ترکیب‌های جدیدی از ژن‌ها را به وجود می‌آورد و تنوع ژنتیکی را افزایش می‌دهد. ژرم پلاسماهای اصلی بدون آسیب باقی می‌مانند و در کشور منشأ و مبدأ خود قابل دسترسی هستند. با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که حق ثبت موجب افزایش تولیدات و رونق بازار خواهد شد. از واریته‌های موجود در مقابل واریته‌های حفاظت شده چشم‌پوشی می‌شود و همین امر تنوع زیستی را به خطر می‌اندازد.

اهداف کنوانسیون تنوع زیستی

براساس ماده ۱، اهداف کنوانسیون تنوع زیستی عبارتند از:

«حفظ تنوع زیستی، استفاده پایدار از عناصر (اجزای) آن و تقسیم عادلانه و منصفانه منافع حاصل از استفاده از منابع ژنتیک از جمله دسترسی مناسب به منابع ژنتیک و انتقال مقتضی تکنولوژی‌های مربوط، با در نظر گرفتن کلیه حقوق مربوط به این منابع و تکنولوژی آن‌ها و با اختصاص منابع مالی لازم.»

در مقدمه کنوانسیون آمده است که «حفظ و استفاده پایدار تنوع بیولوژیک از اهمیت خاصی برای تأمین مواد غذایی، بهداشت و دیگر نیازهای جمعیت روبه‌رشد جهان برخوردار است و به همین دلیل دستیابی به منابع تکنولوژی ژنتیک ضروری است». اعلام چنین مطلبی «ارتباطی» را میان دستیابی «مناسب» به منابع ژنتیک و انتقال «مناسب» تکنولوژی از جمله انتقال تکنولوژی در مورد موضوع‌هایی که مشمول حق ثبت و حقوق مالکیت فکری دیگر می‌شود ایجاد می‌کند. آنچه در این مقدمه آمده بیانگر تلاش برای حل مباحث طولانی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در خصوص دستیابی، بهره‌برداری و حفظ منابع ژنتیکی جهان است. در بخش دیگری از مقدمه آمده است که کشورها «از حق مالکیت نسبت به منابع بیولوژیک برخوردارند» و آن‌ها مسئول «حفظ تنوع بیولوژیک خود و استفاده پایدار از منابع بیولوژیک هستند».

ماده ۱۵ کنوانسیون در بیان مجدد حق مالکیت نسبت به منابع بیولوژیک مقرر می‌دارد که «تعیین دسترسی به منابع ژنتیک در اختیار دولت‌های ملی و تابع قوانین ملی آن‌ها خواهد

بود» (بند ۱). برای حفظ تنوع زیستی، دولت‌ها می‌توانند قوانینی را به تصویب برسانند. این امر منابع ژنتیک را در مالکیت دولت‌ها قرار می‌دهد، در حالی که پیش از این منابع ژنتیک «میراث مشترک بشریت» نامیده می‌شد. در ماده ۱ تفاهم بین‌المللی در مورد منابع ژنتیک گیاهی که توسط سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) در ۱۹۸۳ به تصویب رسید این مطلب مورد اشاره قرار گرفته و نتیجه آن در گذشته استفاده مجانی از منابع ژنتیک توسط تمامی دولت‌ها بوده است.

مقررات مندرج در ماده (۱) ۱۵ کنوانسیون از سوی ۱۷ مرکز عمده تحقیقات بین‌المللی کشاورزی در گروه مشاوره‌ای تحقیقات بین‌المللی کشاورزی^۱ مورد توجه قرار گرفت. حدود ۶۰۰ هزار نمونه گیاهی در بانک‌های ژنوپلاسمین این مراکز نگهداری می‌شوند. در حال حاضر دستیابی به این منابع ژنتیک گیاهی مستلزم اجازه صریح کشورهای است که این مواد به آن‌ها تعلق دارد و بدون چنین مجوزی این مراکز نمی‌توانند آن‌ها را در اختیار دیگران قرار دهند. باید اضافه کرد که موانع اداری و مشکلات مالی نیز در اداره این مراکز وجود دارد.

از سوی دیگر، ماده (۲) ۱۵ «دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که شرایطی را فراهم سازند تا دستیابی به منابع ژنتیک سازگار با محیط زیست به وسیله دولت‌های عضو دیگر آسان گردد و محدودیت‌هایی را که مغایر با اهداف این کنوانسیون است ایجاد نکنند». دسترسی به منابع ژنتیک دولت عضو براساس «شرایط مورد توافق طرفین» صورت خواهد گرفت (ماده (۴) ۱۵). کشوری که منابع ژنتیک را فراهم می‌سازد مستحق برخورداری از منافع حاصل از استفاده اقتصادی از آن منابع ژنتیک است (ماده (۶) ۱۵). تقسیم منافع براساس شرایط مورد توافق طرفین خواهند بود (بند ۷).

دستیابی به منابع ژنتیک تابع تعهدات مندرج در ماده ۱۶ است. براساس این ماده: «هر یک از دولت‌های عضو می‌پذیرند که تکنولوژی شامل بیوتکنولوژی می‌شود و دستیابی به تکنولوژی و انتقال آن در میان دولت‌های عضو، عنصر اساسی برای تحقق

اهداف این کنوانسیون خواهد بود. دولت‌های عضو خود را مکلف به انجام تعهدات مندرج در این ماده دانسته، بدین ترتیب دسترسی به تکنولوژی و انتقال آن را به دولت‌های عضو فراهم و تسهیل خواهند کرد. تکنولوژی که به حفظ و استفاده پایدار از تنوع بیولوژیک مربوط می‌شود استفاده از منابع ژنتیک را فراهم می‌سازد و خسارت مهمی به محیط زیست وارد نمی‌سازد» (بند ۱).

مقررات مندرج در این ماده محدوده قابل توجهی را در برمی‌گیرد و به حقوق مالکیت فکری مربوط می‌شود.

دسترسی به تکنولوژی و انتقال آن به کشورهای در حال توسعه باید با شرایط عادلانه و مطلوب از جمله با شرایط ترجیحی و همراه با امتیاز انجام شود. در مورد «تکنولوژی که تابع حق ثبت و دیگر حقوق مالکیت فکری است، دستیابی به تکنولوژی و انتقال آن باید مطابق با حمایت مناسب و مؤثر حقوق مالکیت فکری باشد» (بند ۲). بنابراین، کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد که حقوق مالکانه را در تکنولوژی مربوط به ژنتیک به رسمیت بشناسند و از طریق اقدامات مربوط به حق ثبت و اقدامات دیگر با هدف حمایت مؤثر از آن اقدام کنند. کشور در حال توسعه که منابع ژنتیک خود را در اختیار قرار می‌دهد باید «از طریق دولت عضو به تکنولوژی مربوط دست یابد یا این تکنولوژی به گونه‌ای به آن کشور منتقل گردد که بتواند آن منابع را مورد استفاده قرار دهد. این کار براساس شرایط مورد توافق طرفین انجام خواهد شد؛ از جمله این که از طریق اقدامات قانونگذاری، اداری و سیاسی با اعمال حق ثبت و دیگر حقوق مالکیت فکری، تکنولوژی مذکور مورد حمایت قرار گیرد (بند ۳). بنابراین، کنوانسیون ترتیبی داده تا دستیابی به منابع ژنتیک در مقابل انتقال تکنولوژی صورت گیرد. این تعهد به بخش خصوصی نیز مربوط می‌شود. بدین ترتیب که بخش خصوصی باید «دستیابی به توسعه و انتقال تکنولوژی» را برای مؤسسات دولتی و بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه فراهم سازد (بند ۴).

از آن‌جا که حق ثبت و حقوق مالکیت فکری دیگر ممکن است بر اجرای کنوانسیون تنوع زیستی تأثیر بگذارد، دولت‌های عضو مکلف هستند در این باره با یکدیگر همکاری

کنند. این کار با رعایت قوانین ملی و حقوق بین‌الملل و به منظور تضمین اهداف کنوانسیون صورت می‌گیرد (بند ۵). رجوع به حقوق بین‌الملل در زمینه حق ثبت و دیگر حقوق مالکیت فکری به معنای انجام تعهداتی است که در موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت آمده است. این موافقتنامه دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که حق ثبت را در زمینه‌های مختلف تکنولوژی رعایت کننده به علاوه وارثه‌های گیاهی باید به وسیله حق ثبت یا سیستم خاص یا تلفیق هر دو مورد، مورد حمایت قرار گیرند (ماده ۲۷ موافقتنامه).

علاوه بر این، کنوانسیون تنوع زیستی دولت‌های عضو را مکلف می‌سازد «که هر اقدام عملی را برای دستیابی عادلانه و منصفانه دولت‌های طرف قرارداد به خصوص کشورهای در حال توسعه به نتایج و منافع حاصل از بیوتکنولوژی متکی به منابع ژنتیک که از سوی دولت‌های عضو فراهم گردیده به عمل آورند. این کار بر طبق شرایط مورد توافق طرفین انجام خواهد شد» (ماده ۱۹). بنابراین کشورهایی که وارثه‌های جدید گیاهی یا حیوانی مربوط به داروسازی یا شیمیایی را با استفاده از منابع ژنتیک ایجاد می‌کنند باید منافع حاصل از آن را با مالکان این منابع و براساس شرایط مورد توافق تقسیم کنند.

کنوانسیون همچنین تکلیفی را در خصوص حفظ تنوع بیولوژیک برای اعضا ایجاد می‌کند. این کار باید از طریق شناسایی و مانیتورینگ (ماده ۷) در محل یا خارج از محل (مواد ۸ و ۹) تا «حد امکان» و «به طور مناسب» انجام شود. قید چنین عباراتی در کنوانسیون، تعهدات دولت‌های عضو را مبهم می‌سازد. علاوه بر موارد فوق کنوانسیون مقرراتی در مورد منابع مالی برای حمایت از فعالیت‌های مربوط به اهداف کنوانسیون (ماده ۲۰)، مکانیسم مالی برای تأمین مالی کشورهای در حال توسعه به صورت هبه یا امتیاز (ماده ۲۱)، حل و فصل اختلافات (ماده ۲۷) و نحوه اصلاح کنوانسیون (مواد ۲۹ و ۳۰) دارد.

کنوانسیون تنوع زیستی: دستورالعملی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری

کنوانسیون تنوع زیستی سندی است برای تحقق توسعه پایدار که هدفش حفظ تنوع زیستی کره زمین است، ضمن این که در راستای تحقق توسعه، مقرراتی در مورد دستیابی به تکنولوژی از جمله بیوتکنولوژی دارد. این کنوانسیون برای نخستین بار مکانیسمی را برای بهره‌برداری موفق از منابع ژنتیک و همین‌طور عوض مناسب در مقابل دستیابی به این منابع مقرر داشته است. اما در هر حال، اهداف ارزشمند کنوانسیون به راحتی قابل تحقق نیست. براساس کنوانسیون، کشورهای عضو مکلف نیستند دستیابی به منابع ژنتیک خود را اجازه دهند یا تکنولوژی خود را به کشور دیگری منتقل کنند، مگر این که این امر به صورت متقابل و در عوض یکدیگر انجام شود. علاوه بر این کنوانسیون مقرر می‌دارد که تکنولوژی مشمول حقوق ثبت یا حقوق مالکیت فکری دیگر باید در اختیار کشورهای قرار گیرد که دسترسی به منابع ژنتیک آن‌ها امکان‌پذیر باشد، به شرطی که حمایت عملی مناسب از آن تکنولوژی تضمین گردد. این بدان معنا است که قبل از این که کشورهای در حال توسعه بتوانند به بیوتکنولوژی دست یابند باید از چنین تکنولوژی‌ای از طریق حق ثبت و حقوق مالکیت فکری دیگر حمایت کنند. موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت نیز دولت‌های عضو را ملزم به چنین کاری می‌کند (ماده ۲۷). بنابراین هم کنوانسیون تنوع زیستی و هم موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت در این مورد مقررات مشابهی دارند.

ایالات متحده آمریکا در زمان تصویب کنوانسیون تنوع زیستی در ریودوژانیرو از کشورهای در حال توسعه خواست اقداماتی را در جهت تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی و توسعه بخش خصوصی «به خصوص از طریق حمایت عملی و مناسب از حقوق مالکیت فکری در تکنولوژی مرتبط با منابع ژنتیک» به عمل آورند. متعاقباً در هنگام امضای کنوانسیون در ۴ ژوئن ۱۹۹۳، ایالات متحده در پی تضمین‌هایی بود تا شرکت‌های بیوتکنولوژی مجبور نباشند پروانه‌های تولید را مطابق با ماده ۱۶ کنوانسیون تنوع زیستی به

کشورهای در حال توسعه بدهند. به منظور ایجاد انگیزه در بخش خصوصی، ایالات متحده از دولت‌های عضو (به خصوص کشورهای در حال توسعه) خواست تا:

- حمایت قانونی عملی و مناسبی نسبت به مالکیت فکری در اختراعات و اکتشافات منابع ژنتیک به عمل آورند؛

- پذیرش اختیاری شرایط توزیع منافع و همچنین انتقال تکنولوژی از سوی تمام دولت‌های عضو را تضمین کنند؛

- محدودیتی را نسبت به توسعه، فروش یا امور بازرگانی تکنولوژی‌های جدید یا محصولات مبتنی بر منابع ژنتیک فراهم ن سازند.

کشورهای اروپایی نیز از مقررات کنوانسیون ناخشنود هستند و صنایع اروپا معتقدند که اگر مجبور باشند تکنولوژی را در عوض دریافت منابع ژنتیکی با کشورهای دیگر تقسیم کنند چنین چیزی به حقوق مالکیت فکری لطمه‌ای وارد خواهد ساخت. این کشورها معتقدند با توجه به این بیوتکنولوژی می‌تواند مشکلات ملی آنها را در خصوص غذا و بهداشت حل کند، کشورهای در حال توسعه ممکن است مجوزهای مربوط به بیوتکنولوژی را اجباری اعلام کنند. در واقع ماده (۱) ۸ موافقتنامه حقوقی مالکیت فکری مرتبط با تجارت این اجازه را به دولت‌های عضو می‌دهد که قوانین ملی و مقررات مربوط به «اقدامات لازم برای حمایت از تغذیه و بهداشت عمومی و تأمین منافع عمومی در بخش‌هایی که برای توسعه اجتماعی - اقتصادی و تکنولوژیک آنها اهمیت حیاتی دارد» را تنظیم یا اصلاح کنند. دولت عضو می‌تواند مجوزهای اجباری را در مورد استفاده‌های غیر اقتصادی عمومی اعمال (ماده (ب) ۳۱) یا عملکردهای غیررقابتی را اصلاح کند (ماده (ذ) ۳۱). علاوه بر این دولت عضو موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت می‌تواند از حمایت کردن از حق ثبت یا وارثه‌های گیاهی در صورتی که محیط زیست را به خطر بیندازد خودداری کند (ماده (۲) ۲۷). همچنین از نظر دولت‌های توسعه یافته، تقسیم متقابل منابع ژنتیک و انتقال تکنولوژی، مداخله در روابط قراردادی و تخطی از دانش فنی و تکنولوژی اختصاصی

است. چنین اقداماتی از سوی دولت‌ها (دولت‌های در حال توسعه) مانع از سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای آن‌ها خواهد شد.

نظر کشورهای توسعه یافته به خوبی مشخص می‌سازد که بدون حمایت عملی از سوی دولت‌های در حال توسعه هیچ‌گونه تکنولوژی به این کشورها منتقل نخواهد شد. این شرایط بار دیگر بحث‌های مربوط به انتقال تکنولوژی را میان شمال - جنوب مطرح ساخته است. مفهوم «برخورد توجیهی» در مورد کشورهای در حال توسعه یا انتقال تکنولوژی به ارزان‌ترین قیمت به این کشورها به مهجورترین حالت خود از زمان اعلام آن توسط انکتاد (کمیسیون تجارت و توسعه ملل متحد) در دهه ۷۰ تبدیل شده است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه که از لحاظ ژنتیک غنی هستند مثل هند، پاکستان، تایلند، بولیوی، اکوادور، پرو و ونزوئلا حتی عضو کنوانسیون پاریس در مورد مالکیت صنعتی نیستند.^(۹) در هر حال، براساس موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت، این کشورها تابع مقررات کنوانسیون پاریس، یعنی مواد ۱۲-۱ و ماده ۱۹ خواهند بود. چنین چیزی مستلزم تصویب قوانین جامع در خصوص حقوق مالکیت فکری از سوی کشورها است.

تقسیم منافع براساس شرایط مورد توافق طرفین، راه‌حل نهایی برای حل این مشکل است. همکاری به جای مقابله، راه‌حلی است که با کنوانسیون مطابقت دارد. برای نمونه می‌توان به موافقتنامه میان شرکت مرک^۱ از ایالات متحده آمریکا و مؤسسه تنوع زیستی کاستاریکا^۲ اشاره کرد. شرکت مرک گزارش داده که یک میلیون دلار برای تجزیه و تحلیل مواد مستخرج از گیاهان و جانوران بومی برای تولیدات دارویی با مصارف دیگر اقتصادی پرداخته است. اگر شرکت مرک محصولی را براساس اطلاعات کسب شده تولید کند که در بازار فروش داشته باشد، کلیه حقوق ثبت را برای خود حفظ خواهد کرد، اما به مؤسسه تنوع زیستی کاستاریکا حق امتیازی بین حدود ۱ و ۳ درصد می‌پردازد. ۱۰ درصد از پایین‌ترین میزان پرداخت و ۵۰ درصد از سهم مؤسسه در حق امتیاز، در کشور کاستاریکا سرمایه‌گذاری خواهد شد. در تقسیم منافع براساس شرایط مورد توافق طرفین، اگر

1. Merck Co
2. INBIO

شرکت مرک داروی جدیدی را براساس ژن‌هایی که در گیاهان کشور کاستاریکا شناسایی و از آن‌ها استخراج شده کشف کند، شرکت مرک از حق ثبت برخوردار خواهد شد و در مقابل مکلف است امتیازاتی را به مؤسسه تنوع زیستی کاستاریکا بپردازد. شرکت مرک در حق ثبت در کشور کاستاریکا برخوردار خواهد شد و دارو را در این کشور با توجه به استراتژی اقتصادی خود تولید خواهد کرد.

توافقاتی از این نوع زمانی مفید خواهند بود که بازار محلی بسیار وسیع است و از منابع انسانی در امر تحقیقات و توسعه برخوردار است. این توافقات بهره‌برداری محلی از حق ثبت و امکان تحقیقات و توسعه بیش‌تر را فراهم می‌سازند. تحقیقات بیوتکنولوژی عموماً از سوی بخش خصوصی کنترل می‌شود و نتایج تحقیقات کاملاً مخفی نگه داشته می‌شود و از موفقیت خاصی به خصوص در امر کشاورزی برخوردار است. این تحقیقات باید خود را با شرایط آب و هوایی و خاک منطقه منطبق سازد. در این قراردادها ممکن است دسترسی بیش‌تر به منابع ژنتیک با هدف ایجاد انگیزه برای انجام تحقیقات محلی، فراهم کردن تسهیلات تولید و آموزش نیروی انسانی برای کشورهای دیگر در نظر گرفته شود. در چنین توافقاتی، مکانیسمی وجود دارد تا بهره‌برداری از منابع ژنتیک در مقابل اعطای امتیازات مناسب به کشوری که دسترسی به این منابع را فراهم می‌سازد صورت گیرد.

کشورهای در حال توسعه مکلف هستند از اکتشافات بیوتکنولوژیک حمایت عملی به عمل آورند. کشورهای مذکور قوانینی را در همین خصوص به تصویب خواهند رسانند. دولت‌های در حال توسعه باید سرمایه‌ای را از محل پرداخت مازاد تولید به نسبت ارتباط با شکل حیات مورد حمایت یا ثبت شده وارسته‌های بومی ایجاد کنند. این سرمایه می‌تواند در جهت بهبود شرایط زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه هزینه شود. تحقیقات و توسعه ملی در زمینه بیوتکنولوژی به خصوص در بخش کشاورزی در مورد وارسته‌های جدید باید مورد تشویق قرار گیرد. هر گونه سوء استفاده از حقوقی که براساس قوانین ملی اعطا شده است باید تابع مجوزهای اجباری باشد تا منافع ملی حفظ گردند.

اغلب گفته می‌شود که حقوق مالکیت فکری بر تنوع بیولوژیک تأثیر منفی دارد، زیرا کشاورزان واریته‌های جدید را به نژادهای سرزمینی و گونه‌های دیگر ترجیح می‌دهند. به هر حال برخورد مناسب با این مشکل بستگی به قوانین و نحوه اجرای آن توسط دولت‌ها دارد. حل این مشکل باید با توجه به پیچیدگی‌های اقتصاد ملی مورد توجه قرار گیرد. کشورها با قوانین خود از استفاده بیش از حد از یک واریته جلوگیری به عمل می‌آورند. این کار از طریق ایجاد انگیزه لازم نظیر حمایت ملی یا اعطای کمک‌های مالی یا از طریق در نظر گرفتن حداقل درصدی از زمین کشاورزی که باید برای نژادهای سرزمینی در داخل کشور مورد توجه واقع شود صورت می‌گیرد. در همین مورد، نقش ساکنین روستاها به خصوص زنان بسیار تعیین کننده است. نقش مردم باید در هنگام تصویب قوانین به خوبی در نظر گرفته شود. علاوه بر این باید اقدامات حفاظتی (بانک ژن) در خارج از کشور در سطوح ملی و بین‌المللی از سوی دولت به عمل آید. حفظ منابع ژنتیک در داخل کشور مستلزم حفظ گیاهان در منطقه اصلی آنهاست و حفظ و نگهداری در خارج متضمن جریانی است که باید به طور مستمر از طریق انتخاب طبیعی یا حفظ واریته‌های گیاهی تحت شرایط رشد کنترل شده انجام شود (یعنی از طریق مراکز رشد ژرم پلاسما). چنین اقداماتی از مونو کالچر در کشاورزی جلوگیری می‌کند و تنوع زیستی را حفظ می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کشورهای در حال توسعه و به خصوص شرکت‌های چند ملیتی معتقدند که کنوانسیون تنوع زیستی فقط زمانی می‌تواند برای تمام کشورهای عضو آن مفید باشد که حقوق مالکیت فکری در مورد مواد ژنتیک و بیولوژیک در سراسر جهان، یعنی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود داشته باشد. برای توسعه پایدار باید تعادل و توازن میان حقوق مالکیت فکری و حفظ تنوع زیستی وجود داشته باشد. به هر حال در این دوره زمانی که آزادسازی و جهانی شدن اقتصاد و تحقیقات و توسعه مورد توجه قرار گرفته، دستیابی به

تکنولوژی بدون حمایت از حقوق مالکیت فکری امکان پذیر نیست. با انعقاد موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت، استانداردهای بالای حمایت از حق ثبت به وجود آمده است. این امر دستیابی به تکنولوژی جدید را بدون توجه به این استانداردها بر اساس قوانین ملی مشکل تر ساخته است. کشورهای در حال توسعه می توانند از وارثه‌های گیاهی جدید که از طریق تکنولوژی به وجود آمده‌اند حفاظت کنند. این کار از طریق سیستم خاص و مطابق با نیازهای آنها صورت می گیرد، به گونه‌ای که حفظ و تحول تنوع زیستی را آن گونه که برای توسعه پایدار نیاز است فراهم سازد.

به همین منظور، هدف قوانین جدید باید حفاظت از نژادهای سرزمینی در محل و خارج از آن باشد. امکان دستیابی به وارثه‌های جدید برای تحقیقات باید فراهم باشد. کشاورزانی که به حفظ و توسعه وارثه‌های گیاهی جدید کمک می کنند باید به طور مناسب مورد تشویق قرار گیرند. نقش زیاد آنها در این مورد بسیار مهم است زیرا این‌ها هستند که نژادهای سرزمینی و وارثه‌های بومی را برای نسل‌ها حفظ می کنند و از این‌رو، نقش فعال آنها باید از سوی دولت مورد توجه قرار گیرد. محققان می توانند به حفظ تنوع زیستی کمک کنند. مقرراتی که در این مورد وضع می شود باید به طور یکسان در مورد محققان خارجی و داخلی اعمال شود. با توجه به تمایل دولت‌ها به دستیابی به تکنولوژی جدید، دولت‌ها نباید نژادهای سرزمینی را نادیده بگیرند و کشاورزان باید مورد تشویق قرار گرفته، مکلف شوند تا با کشت نژادهای سرزمینی در بخشی از زمین‌های خود به حفظ این نژادها کمک کنند. اگر دارندگان حق ثبت یا کسانی که از حق تولید گیاهان برخوردارند از حق خود سوءاستفاده کنند قوانینی باید وجود داشته باشد که بر اساس آنها گرفتن مجوز اجباری باشد.

به هر حال بسیار ضروری است که این کشورها توانایی خود را در زمینه بیوتکنولوژی افزایش دهند زیرا در غیر این صورت همیشه به کشورهای توسعه یافته وابسته خواهند بود. این امر مستلزم انجام اقداماتی برای ایجاد انگیزه و تأمین سرمایه از سوی دولت‌ها است. به علاوه قوانینی باید در این مورد وضع گردد. ایجاد امکانات و توانایی‌های ملی، بسیاری از

مشکلات کشورهای در حال توسعه را حل خواهد کرد، ضمن این که به حفظ تنوع زیستی در کره زمین کمک خواهد کرد.

پی‌نوشت

۱. برای متن کنوانسیون نگاه به: 31 ILM 818(1992)
- این کنوانسیون در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳ لازم‌الاجرا شد.
۲. به بیانی ساده بیوتکنولوژی نوعی تکنولوژی است که موجب تغییرات ارگانیک در حیوانات، گیاهان، میکروارگانیسم‌ها و هرگونه مواد بیولوژیک می‌شود و تغییرات در مواد غیرارگانیک از طریق ابزارهای بیولوژیک ایجاد می‌کند. بیوتکنولوژی «اعمال اصول علمی و مهندسی در فرایند مواد از طریق واسطه‌های بیولوژیک برای تأمین خدمات و کالا» است.
۳. تکنولوژی DNA کد ژنتیک ارگانیسم‌های زنده نظیر میکروارگانیسم‌ها، گیاهان و حیوانات را اصلاح می‌کند و بدین ترتیب گونه‌های جدیدی از گیاهان و حیوانات به وجود می‌آیند. در نتیجه ارگانیسم‌هایی به وجود خواهند آمد که از نظر ژنتیکی اصلاح شده‌اند. این فرایند بسیار پیشرفته‌تر و سریع‌تر از تکنیک‌های قدیمی تولیدکنندگان یا حیوانات است.
۴. ایالات متحده آمریکا کنوانسیون را در ۴ ژوئن ۱۹۹۳ در زمان دوران ریاست جمهوری کلینتون به امضا رساند اما هنوز آن را به تصویب نرسانده است.
۵. این موضوع‌ها تا حدودی در معاهده بوداپست در مورد شناسایی بین‌المللی ذخایر میکروارگانیسم‌ها (۱۹۷۷) مورد توجه قرار گرفته است.
۶. در کشورهای توسعه یافته به خصوص در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۰ در مورد ارگانیسم‌هایی که از نظر ژنتیکی اصلاح شده‌اند حق ثبت در نظر گرفته شده است.
۷. این کنوانسیون در حال حاضر ۲۴ عضو دارد.
۸. برای مثال در برزیل وارته‌های پرمحصول به دلیل عدم مقاومت بیماری موجب نابودی محصولات گندم در سال ۱۹۷۲ شدند و در سال ۱۹۷۵ کشاورزان اندونزیایی به دلیل مشابه ۵۰۰,۰۰۰ آکر از برنج‌های خود را در اثر حمله حشرات برگ‌خوار از دست دادند. نگاه کنید به:

UNCTC, Transnational Cooperation in Biotechnology, Doc.st/etc/61 (UN, 1988), p.82.

۹. برای مثال کشور هند با داشتن ۴۵,۰۰۰ گونه گیاهی یکی از ۱۲ مناطقی است که بیش‌ترین تنوع زیست محیطی و منابع ژنتیکی را در جهان رادارد.

GATT Accord: India's Strategic Response (Commonwealth Publishers, New Delhi, 1994), pp.175-188 at 182-183.

۱۰. نگاه کنید به ماده ۲ موافقتنامه مالکیت فکری مرتبط با تجارت.

